



Discourse Analysis of the Official Documents and Reports of the Urmia Lake Restoration Headquarters under the Eleventh and Twelfth Administrations From the Possibility of Hegemony to Institutional Failure

Masoumeh Izadbin¹ | Alireza Karimi² | Kamal Khalegh Panah³

1. Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.
E-mail: afsanehmo22@yahoo.com
2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.
E-mail: alireza.karimi@khu.ac.ir
3. Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.
E-mail: k.khaleghpanah@uok.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 28 August 2025 Received in revised form: 17 October 2025 Accepted: 5 November 2025 Published online: 29 December 2025 Keywords: Critical Discourse analysis, Laclau & Mouffe, Faircough, Lake Urmia, Environmental Policy	Under the influence of the state-centered developmental discourse, the delicate ecological equilibrium between society and nature in Iran has been altered since the mid-20th century. This transition exacerbated exploitative resource utilization patterns and progressively removed resources like Lake Urmia from the policymaking process. Since the early 2010s, Lake Urmia has served as a “empty signifier” of environmental crises, water governance failures, and identity-territorial threats. This situation paved the way for the emergence of a national demand that, during the 2013 presidential elections, was articulated through the discourse of “restoration” and institutionalized with the establishment of Urmia Lake Restoration Headquarters (ULRH) by the Eleventh Administration. The objective of this investigation is to examine the discursive logic of the ULRH and investigate the factors that contribute to its deficiencies and the challenges it faces in accomplishing its stated goals. Fairclough’s Critical Discourse Analysis and Laclau and discourse theory are combined in this research. Interviews with two former directors of the Department of Environment, official documents, and pertinent media texts comprise the data. These were collected through theoretical sampling until conceptual saturation and analyzed using triangulation. Finding indicates that, despite the ULRH’s relative and temporary success in halting the Lake’s complete desiccation and implementing certain infrastructural projects, the realization of full ecological recovery and sustainable restoration was impeded by a number of factors, including the absence of investment in alternative employment, the instability of farmers’ livelihoods, the lack of articulation between the restoration discourse and broader socio-economic structures, and weak basin-scale governance. Ultimately, the restoration discourse itself perpetuated the dichotomy of “technological solutions vs. social realities” and failed to progress toward participatory governance. The study concludes that sustainable restoration necessitates the simultaneous articulation of water policy with welfare policies, agricultural transition, local participation, and policy alignment at the Urmia basin scale.

Cite this article: Izadbin, M., Karimi, A. & Khalegh Panah, K. (2025). Discourse Analysis of the Official Documents and Reports of the Urmia Lake Restoration Headquarters under the Eleventh and Twelfth Administrations; From the Possibility of Hegemony to Institutional Failure. *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (2), 427-446. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.401516.668939>



©Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran.

DOI <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.401516.668939>

تحلیل گفتمان اسناد و گزارش‌های رسمی ستاد احیای دریاچه ارومیه در دولت یازدهم و دوازدهم از امکان هژمونی تا ناکامی نهادی

معصومه ایزدیین^۱ | علیرضا کریمی^۲ | کمال خالق‌پناه^۳

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: afsanehmo22@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: alireza.karimi@khu.ac.ir
۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: k.khaleghpanah@uok.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۸	تعالُد پایدار محیط‌زیستی میان جامعه و طبیعت در ایران از میانهٔ قرن بیستم، زیر فشار گفتمان توسعه‌گرایی دولت‌محور دگرگون شد که به تقویت الگوهای بهره‌کشانه از طبیعت و حذف تدریجی منابعی مانند دریاچهٔ ارومیه از سپهر سیاست‌گذاری انجامید. از اوایل دههٔ ۱۳۹۰، دریاچهٔ ارومیه به «دال تهی» بحران‌های زیست‌محیطی، ناکارآمدی حکمرانی آب و تهدیدات هویتی-سرزمینی بدل شد. این موقعیت، زمینه‌ساز شکل‌گیری مطالبه‌ای ملی شد که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ در قالب گفتمان «احیا» و تأسیس ستاد احیای دریاچهٔ ارومیه به‌عنوان بر ساخته‌ای نهادی توسط دولت یازدهم صورت‌بندی و بازنمایی شد. مطالعهٔ پیش‌رو با هدف تحلیل منطق گفتمانی حاکم بر ستاد احیا و واکاوی دلایل ناکامی و موانع تحقق اهداف آن، با تلفیقی از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و نظریهٔ لاکلا و موف انجام شده است. داده‌ها شامل اسناد رسمی، مصاحبه با دو تن از رؤسای سابق سازمان محیط‌زیست و متون رسانه‌ای مرتبط است که به روش نمونه‌گیری نظری تا اشباع مفهومی گردآوری و به شیوهٔ مثلث‌سازی (زاویه‌بندی) تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان داد علی‌رغم موفقیت نسبی و موقت ستاد در توقف روند خشک‌شدن کامل دریاچه و اجرای برخی پروژه‌های زیرساختی، عدم پیوند گفتمان احیا با ساختارهای کلان اجتماعی-اقتصادی، بی‌ثباتی معیشت کشاورزان، فقدان سرمایه‌گذاری در مشاغل جایگزین و ضعف حکمرانی حوضه‌محور، مانع تحقق اهداف کامل اکولوژیک و دستیابی به احیای پایدار شد. درنهایت، گفتمان احیا نیز خود به بازتولید دوگانهٔ «فناوری‌گرایی-واقعیت‌های اجتماعی» دامن زد و از گذار به حکمرانی مشارکتی بازماند. نتیجه آنکه احیای پایدار، مستلزم مفصل‌بندی هم‌زمان سیاست آب با رفاه، گذار کشاورزی، مشارکت محلی و همسویی سیاستی در مقیاس حوضهٔ دریاچهٔ ارومیه است.
کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، لاکلا و موفه، فرکلاف، دریاچه ارومیه، سیاست محیط‌زیستی.	

استناد: ایزدیین، معصومه، کریمی، علیرضا و خالق‌پناه، کمال (۱۴۰۴). تحلیل گفتمان اسناد و گزارش‌های رسمی ستاد احیای دریاچهٔ ارومیه در دولت یازدهم و دوازدهم؛ از امکان هژمونی تا ناکامی نهادی. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۷ (۲)، ۴۲۷-۴۴۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.401516.668939>



© نویسنده(گان) حق نشر را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.401516.668939>

۱. مقدمه و بیان مسئله

مسائل محیط‌زیستی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی کشور تبدیل شده است (زائری و محمدی، ۱۳۹۸). برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای و نوسازی در ایران پیامدهای متعددی داشته که از مهم‌ترین آن‌ها تخریب محیط‌زیست و شکل‌گیری بحران‌هایی مانند بحران آب است. بررسی ریشه‌های این بحران نشان می‌دهد بخش عمده مشکلات ناشی از سیاست‌گذاری‌های غیرکارشناسانه، شتاب‌زده و ناپایدار بوده است. یکی از عوامل اصلی برهم‌خوردن تعادل میان عرضه و تقاضای آب را باید در نحوه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جستجو کرد؛ سیاست‌هایی که در هر دوره متناسب با تغییرات اجتماعی و سیاسی دستخوش تحول شده‌اند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد پیامدهای توسعه خارج از ظرفیت منابع آب، به‌ویژه در بخش کشاورزی، پدیده‌ای ناشناخته نبوده و نمی‌توان آن را به ناآگاهی نسبت داد (طالبی و همکاران، ۱۴۰۰؛ فیروزآبادی و خمسه، ۱۴۰۱). در آخرین برنامه عمرانی پیش از انقلاب، محدودسازی توسعه سدسازی و عبور از کشاورزی به سمت صنعتی‌شدن مورد تأکید بود، اما پس از انقلاب در گسستی آشکار، توسعه سدسازی و منابع آب به‌عنوان محور رشد اقتصادی تعریف شد (طالبی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ به‌گونه‌ای که در وضعیت موجود در کشور ۳۴۹ سد در حال بهره‌برداری، ۱۴۰ سد اجرایی و ۴۸۰ سد مطالعاتی وجود دارد (منصوری و همکاران، ۱۴۰۱). در دهه نخست پس از انقلاب، با وجود تحریم‌ها و ضرورت بازسازی کشور، سیاست خودکفایی کشاورزی به‌ویژه محصولات راهبردی مانند گندم در دستور کار قرار گرفت. در این دوره، گفتمان توزیع عادلانه آب و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی بدون توجه به توان هیدرولوژیک، گفتمان مسلط بود. در دهه دوم و سال‌های پس از جنگ نیز توسعه زیرساختی و ساخت سازه‌های عظیم آبی به‌عنوان نماد توسعه و نمایش قدرت دولت پیگیری شد (طالبی و همکاران، ۱۴۰۳). در مجموع، نظام قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری آب در ایران بیش از آنکه بر پایه ظرفیت واقعی منابع آب شکل گرفته باشد، متأثر از شرایط گفتمانی دولت‌ها و فضای سیاسی هر دوره بوده است (طالبی و همکاران، ۱۳۹۹).

یکی از بارزترین نمونه‌های این وضعیت، بحران دریاچه ارومیه است. این دریاچه که زمانی بزرگ‌ترین دریاچه آب شور خاورمیانه محسوب می‌شد، از اوایل دهه ۱۳۸۰ به سبب چندین دهه توسعه نامتوازن و ناپایدار در حوضه آبریز، برداشت‌های بی‌رویه از منابع تجدیدپذیر و تغییر الگوهای کشت و مصرف به سمت خشک‌شدن پیش رفت (سند چشم‌انداز احیای دریاچه ارومیه، ۱۳۹۳). از میانه دهه ۱۳۹۰ حساسیت‌های ملی و بین‌المللی نسبت به دریاچه شدت گرفت و این موضوع را به مطالبه‌ای اجتماعی و سیاسی در سطح کلان کشور بدل کرد و با اختصاص گسترده فضای رسانه‌ای و جلب مطالبات عمومی، به یکی از محورهای مهم رقابت‌های انتخاباتی دولت یازدهم تبدیل شد (خبرنامه تحلیلی ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۳۹۶).

با آغاز به کار دولت یازدهم، «ستاد احیای دریاچه ارومیه» به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه محیط‌زیستی ایران و با محوریت دانشگاه صنعتی شریف شکل گرفت (بررسی عملکرد و ساختار احیای دریاچه ارومیه، ۱۴۰۰). این ستاد برنامه‌ای سه‌مرحله‌ای شامل تثبیت، احیا و احیای کامل را دنبال کرد. در سه سال نخست، روند تثبیت تحقق یافت و کاهش سالانه ۳۰ سانتی‌متری سطح آب مهار شد، اما پس از آن، دولت در اجرای پروژه‌ها با مشکلات جدی نهادی، مالی و اجرایی روبه‌رو شد و روند احیا متوقف شد (خبرنامه تحلیلی ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۳۹۶). این توقف نه صرفاً یک مسئله مدیریتی، بلکه نشانه‌ای از پیچیدگی‌های عمیق‌تر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و گفتمانی کشور در مواجهه با بحران‌های محیط‌زیستی است و در همین جا است که پرسش اساسی درباره ریشه‌های قدرت، منازعه، تعارض و سلطه در مدیریت منابع طبیعی اهمیت پیدا می‌کند.

از منظر نظری، تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه که بحران‌ها را فقط به متغیرهای اقلیمی یا الگوهای مصرف فرومی‌کاهند، از درک لایه‌های پنهان‌تر ساختار سلطه، توزیع نابرابر منابع و منازعات قدرت بازمی‌مانند و امکان ارائه راه‌حل‌های مؤثر را از بین می‌برند (لاکلا و موف، ۱۴۰۰: ۲۵۰-۲۵۷). درک این واقعیت ضروری است که مسائل محیط‌زیستی محصول برهم‌کنش مؤلفه‌های اکولوژیک، اقتصادی، فناورانه و سیاسی هستند و فهم عمیق آن‌ها نیازمند مطالعات فرارشته‌ای است (آلبرگ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲ و ۱۹). در همین راستا، چارچوب «سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیک» تأکید دارد که نظام‌های انسانی و طبیعی درهم‌تنیده هستند و باید آن‌ها را به‌عنوان کلیت‌های پیچیده و باز در نظر گرفت. این سیستم‌ها حاصل تعامل مؤلفه‌های اجتماعی و اکولوژیک‌اند و تحت تأثیر عواملی مانند تغییرات فناوری، تحولات نهادی و تصمیمات انسانی قرار می‌گیرند؛ عواملی که می‌توانند مسیر مدیریت منابع طبیعی را به‌طور چشمگیری دگرگون کنند (فالون و همکاران، ۲۰۲۲: ۳). از این منظر، سیستم‌های اجتماعی اکولوژیک عرصه‌ای برای مفصل‌بندی کنشگرانی با منافع و ارزش‌های ناهمگون و نیروهای متکثر قدرت هستند (وسلینگ و همکاران، ۲۰۱۶: ۵).

پژوهش حاضر در چارچوبی گفتمانی، هم به روایت‌های علمی-فنی که بحران را در بستر مدیریتی و فناورانه قرار می‌دهند و هم به روایت‌های اجتماعی-انتقادی که بر عدالت، مقاومت و شکاف‌های معیشتی تأکید دارند، توجه می‌کند. سودمندی نظری این رویکرد در امکان بازاندیشی در گفتمان‌های مخرب و ناکارآمد سیاست محیط‌زیستی ایران است. براین اساس، در این پژوهش، با تحلیل گفتمان‌های شکل‌گرفته پیرامون بحران دریاچه ارومیه، افق‌های تازه‌ای برای فهم رابطه میان سیاست، قدرت و محیط‌زیست می‌گشاییم تا به این وسیله به غنای ادبیات نظری و کاربردی مدیریت بحران‌های محیط‌زیستی در ایران بیفزاییم.

در این چارچوب و با توجه به هدف کلی، پرسش اصلی چنین صورت‌بندی می‌شود: «چگونه گفتمان احیای دریاچه ارومیه در ستاد احیا بر ساخته شد و چرا با وجود برخورداری از پشتوانه علمی، نهادی و رسانه‌ای، در تحقق هژمونی و دستیابی به اهداف پایدار خود ناکام ماند؟» برای پاسخ، پرسش‌های فرعی هم راهنما هستند: در سطح توصیف زبانی (فرکلافی)، چه واژگان، استعاره‌ها و کدهای معنایی در متون ستاد احیا به کار رفت و چه بازنمایی‌ای از بحران و احیا ارائه شد؟ در سطح کردار گفتمانی (لاکلائی)، چه دال‌های مرکزی و زنجیره‌های هم‌ارزی حول مفهوم «احیا» مفصل‌بندی شد و چه گفتمان‌های رقیبی در برابر آن قرار داشتند؟ در سطح کردار اجتماعی (فرکلافی)، چه نیروهای نهادی، سیاسی و اقتصادی‌ای مانع تثبیت هژمونی گفتمان احیا شدند و چگونه این مقاومت‌ها به ناکامی نهادی انجامید؟ چه شکاف‌هایی میان روایت فناورانه ستاد و واقعیت‌های اجتماعی-معیشتی کشاورزان وجود داشت و این شکاف چگونه در بازتولید ناکامی مؤثر بود؟ چه سازوکارهایی از جنس مشروعیت‌سازی، بینامتنیت و قدرت برای تثبیت این گفتمان به کار گرفته شد و چرا در ایجاد پایداری ناموفق ماند؟

۲. چارچوب مفهومی و نظری

تحلیل بحران‌های محیط‌زیستی و به‌ویژه بحران آب، مستلزم رویکردی میان‌رشته‌ای است که از نگاه‌های اثبات‌گرایانه صرف فراتر رود و ابعاد اجتماعی، سیاسی و گفتمانی را نیز دربرگیرد. در این پژوهش، بحران آب -و به‌طور خاص دریاچه ارومیه- نه صرفاً یک مسئله طبیعی یا فنی، بلکه به‌مثابه «ابژه مناقشه‌برانگیزی» تلقی می‌شود که گفتمان‌های مختلفی پیرامون آن شکل گرفته‌اند و برای تثبیت هژمونی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در این خصوص دو دسته گفتمان اصلی مبنای تحلیل ما قرار می‌گیرند:

۱) گفتمان‌های علمی-فنی که شامل گفتمان‌های سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیک با دال‌های مرکزی تاب‌آوری و سازگاری نهادی (فالون و همکاران، ۲۰۲۲)، سوسیوهیدرولوژی که ترکیبی از مدل‌های اجتماعی و طبیعی است (وسلینگ، ۲۰۱۶)، سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیک-فناورانه با برجسته‌سازی نقش فناوری (آلبرگ و همکاران، ۲۰۱۹)، رویکرد حکمرانی تعاملی آب با تأکید بر

تعامل دولت، بازار و جامعه مدنی (فالون و همکاران، ۲۰۲۲) می‌شوند. این گفتمان‌ها بحران را در قالب‌های نهادی، مدیریتی و فناورانه صورت‌بندی می‌کنند و بر کارآمدی راهکارهای علمی و فنی تأکید دارند.

۲) گفتمان‌های اجتماعی-انتقادی که شامل محیط‌زیست‌گرایی موج دوم با تأکید بر توسعه پایدار و فناوری به‌عنوان راه‌حل و محیط‌زیست‌گرایی فرودستان یا موج سوم با تمرکز بر عدالت محیط‌زیستی می‌شود. این رویکردها بحران‌های محیط‌زیستی را محصول روابط قدرت و نابرابری می‌دانند و بر نقش کنشگران محلی، گروه‌های فرودست و مقاومت اجتماعی در برابر سیاست‌های تخریب‌گر تأکید دارند (مارتینز الیر، ۲۰۰۲).

براین‌اساس، چارچوب مفهومی پژوهش بر چند اصل استوار است: بحران آب پدیده‌ای اجتماعی-گفتمانی است که معنای آن در میدان کشمکش‌های گفتمانی رقیب تثبیت یا به چالش کشیده می‌شود؛ گفتمان‌های علمی-فنی و اجتماعی-انتقادی، هریک با دال‌های مرکزی تاب‌آوری، حکمرانی، فناوری، عدالت، مقاومت و... می‌کوشند تا روایت مسلط از بحران را بازتولید کنند؛ این گفتمان‌ها هریک به‌عنوان ابژه‌های تحلیل لحاظ شده‌اند و نه پارادایم و رویکرد پژوهش. به عبارتی هدف ما نشان‌دادن میزان ارزیابی یا سودمندی این مدل‌ها نیست، بلکه از خلال مفاهیم و دال‌های مرکزی آن‌ها در اسناد و گزارش‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه، نحوه بازنمایی بحران آب -به‌ویژه دریاچه ارومیه- را واکاوی می‌کنیم.

۳. پیشینه تجربی

مطالعاتی درخصوص گفتمان‌های مرتبط با منابع آب و محیط‌زیست در کشور انجام شده است. هریک از این آثار با تحلیل روندهای مسلط بر سیاست و قانون‌گذاری‌ها، ابعاد اجتماعی، سیاسی و نهادی بحران‌های محیط‌زیستی را برجسته کرده‌اند. در جدول ۱، به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

موضوع پژوهش	نویسندگان و سال	روش‌شناسی	یافته‌ها
تحلیل گفتمان قانون توزیع عادلانه آب در ایران	ملکی و همکاران، ۱۴۰۰	تحلیل گفتمان تلفیقی فرکلاف و لاکلا و موف	قانون توزیع عادلانه آب متأثر از ارزش‌های انقلابی و شرایط حاکم بر سال‌های ابتدایی پس از انقلاب ۱۳۵۷ بوده است. غفلت از نقش عاملیت شهروندان، محدودیت منابع آب و عدم باور به موجودیت طبیعت و اکوسیستم‌های زنده موجب بی‌عدالتی در حقوق طبیعت و نسل‌های آینده شده است.
مروری بر ابعاد اجتماعی تصویب قوانین آب در ایران	طالبی صومعه‌سرای و همکاران، ۱۳۹۹	تحلیل مضمون استقرایی	در تصویب قوانین آب در دوران پیش از انقلاب، عوامل بین‌المللی و در دوران بعد از انقلاب، عوامل سیاسی و عدالت‌طلبی ضد اکولوژیک تأثیرگذار بوده‌اند. تغییرات در قوانین به پایداری در منابع آب منجر نشده‌اند؛ زیرا به‌جای توجه به کمیت و کیفیت منابع آب، معطوف به شرایط سیاسی و اجتماعی بوده‌اند.
به‌کارگیری مدل فرکلاف در گونه‌شناسی گفتمان‌های محیط‌زیستی ایران	ملکی و همکاران، ۱۳۹۵	تحلیل گفتمان فرکلاف	گفتمان غالب مجلس اول و دوم عدالت محیط‌زیستی، گفتمان غالب مجلس سوم تا پنجم حفاظت از محیط‌زیست، گفتمان غالب مجلس ششم و هفتم گفتمان مخاطره بوده است. مذاکرات مجلس اول تا هفتم نیز همگی متأثر از گفتمان نوسازی به‌مثابه گفتمانی سیال بوده‌اند.
تحلیل گفتمان محیط‌زیستی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران	صالحی و همکاران، ۱۳۹۳	تحلیل اسنادی	یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد در قسمت اعظم برنامه‌ها، به‌ویژه در برنامه‌های اول تا سوم توسعه، گفتمان محیط‌زیست‌گرایی غالب بوده، اما برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، تحت تأثیر گفتمان زیست‌بومی قرار داشته‌اند. در هر صورت در هیچ‌یک از این دوره‌ها توجهی به عدالت محیط‌زیستی نشده است.

با وجود تلاش‌های مهم پژوهش‌های پیشین، بیشترین تمرکز آن‌ها بر قوانین، برنامه‌های توسعه یا گفتمان‌های کلی محیط‌زیستی بوده و به‌طور خاص تاکنون، مطالعه‌ای درخصوص اسناد و گزارش‌های رسمی ستاد احیای دریاچه ارومیه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم صورت نگرفته است. این در حالی است که این اسناد نقشی کلیدی در بازنمایی بحران و مشروعیت‌بخشی به اقدامات نهادی برای احیای یکی از مهم‌ترین پهنه‌های آبی کشور داشته‌اند. از این‌رو، ضرورت اتخاذ و به‌کارگیری رویکردی برای واکاوی ابعاد گفتمانی، سیاستی و کشف لایه‌های عمیق معنایی و نهادی بحران محیط‌زیستی در کنار ابعاد فنی آن برجسته می‌شود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی ترکیبی و همچنین ابزارهای تحلیلی فرکلاف و لاکلا و موف درصدد است تا نشان دهد چگونه مفاهیمی کلیدی مانند تاب‌آوری، حکمرانی، فناوری و عدالت محیط‌زیستی در اسناد و گزارش‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه مطرح شده‌اند و چرا این بازنمایی‌ها نتوانسته‌اند به هژمونی پایدار و نهادینه‌شده‌ای منجر شوند.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش با رویکردی تلفیقی، از ترکیب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و نظریه گفتمان لاکلا و موف بهره می‌گیرد تا مسئله احیای دریاچه ارومیه را در چند سطح درهم‌تنیده (واژگانی-خطابی، کردار گفتمانی و بستر اجتماعی-نهادی) تحلیل کند. مزیت این تلفیق آن است که هم سازوکارهای زبانی-معنایی را آشکار می‌کند و هم منطق‌های هژمونیک و سازوکارهای تثبیت-بی‌ثباتی معنا را در میدان سیاست محیط‌زیست نشان می‌دهد.

در این مطالعه، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به‌مثابه رویکردی زبان‌محور، بر تحلیل سه‌لایه‌ای متن، کردار گفتمانی و بستر اجتماعی تأکید دارد و نظریه گفتمان لاکلا و موف تحلیل را به سطح مفصل‌بندی‌های هژمونیک، دال‌های تهی و شناور، زنجیره‌های هم‌ارزی/افتراقی، تقابل‌های دوتایی و سازوکارهای انسداد معنایی و بی‌ثباتی گفتمانی ارتقا می‌دهد. بدین‌ترتیب، پیوند زبان-قدرت-سیاست نه فقط در گزاره‌ها، بلکه در سازوکارهای مشروعیت‌بخشی، نمایندگی و حذف گفتمان رقیب ردیابی می‌شود.

با توجه به ماهیت تحلیل گفتمان، تحلیل حاضر بر پایه‌های داده‌های استخراج‌شده از متون رسمی ستاد احیا شامل کل اسناد رسمی، متون رسانه‌ای و مصاحبه با مسئولان کلیدی ستاد احیای دریاچه ارومیه صورت پذیرفته است. داده‌ها به‌صورت ثانویه و با هدف کشف معانی و ساختارهای گفتمانی گردآوری شده‌اند. بدنه اصلی داده‌ها شامل موارد زیر است:

متن محوری تحلیل؛ یعنی پاسخ رسمی ستاد احیا به «طرح تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی» از عملکرد ستاد (خبرگزاری ایسنا، ۲۳ تیر ۱۴۰۱، کد خبر ۱۴۰۱۰۴۲۳۱۵۸۰۴) که به‌واسطه بار گفتمانی بالا، واجد ظرفیت‌های تحلیلی ویژه‌ای تلقی می‌شود؛ مجموعه‌ای از اسناد پشتیبان ستاد مانند چشم‌انداز تدوین‌شده برای احیای دریاچه ارومیه؛ خبرنامه اسفند ستاد شامل گفت‌وگو با دکتر تجریشی؛ گزارش‌های مرتبط با معیشت در حوضه آبریز، اعتبارات و بررسی عدم تحقق ورود آب؛ مقاله «خشک‌سالی از آنچه در تصویر می‌بینید به شما نزدیک‌تر است!» (۱۳۹۶)؛ مطالب تحلیلی (شهریور ۱۳۹۷) شامل بررسی تغییرات عمق بستر دریاچه، همکاری‌های بین‌المللی، تغییر الگوی کشت و پروژه‌های فرهنگی/اجتماعی؛

متون تکمیلی برون‌سازمانی برای تعمیق تحلیل و افزایش غنا و مثلث‌سازی: مناظره میان درویش، کلانتری و تجریشی (مرداد ۱۴۰۱) و مصاحبه‌های سال ۱۴۰۲ با معصومه ابتکار و عیسی کلانتری (تحت نظارت دکتر اعلمی، نماینده پیشین مجلس).

دامنه زمانی اسناد و متون، عمدتاً سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ را دربرمی‌گیرد؛ با تمرکز ویژه بر مقطع ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ که اوج گفتارهای رسمی و عمومی درباره احیا است. معیارهای ورود عبارت بود از: اسناد و متونی که الف) حامل گزاره‌های هنجاری/تجویزی درباره «احیا»، «تثبیت»، «مشارکت» و «حکمرانی آب» باشند؛ ب) کنشگران کلیدی (ستاد، وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، نخبگان/منتقدان)

را بازنمایی کنند؛ پ) قابلیت ارجاع دقیق داشته باشند. معیارهای خروج نیز شامل متون تکراری، فاقد بار گفتمانی یا بدون اعتبار منبع بود. نمونه‌گیری به شیوه نظری انجام شد تا جایی که داده‌ها به اشباع مفهومی رسیدند؛ با این منظور که تنوع موقعیت‌ها و صداها در زنجیره‌های هم‌ارزی/افتراقی مرتبط با گفتمان احیا پوشش داده شود و بتوانند ابعاد مختلف گفتمان احیا را منعکس کنند.

در این پژوهش، با توجه به حجم گسترده متون و تنوع منابع جهت رسیدن به اشباع نظری، واحد تحلیل «گزاره‌های کلیدی» استخراج‌شده از متون است (نه کل متن)؛ زیرا گزاره‌ها حامل دال‌های مرکزی، استعاره‌ها و رمزگان ایدئولوژیک‌اند و امکان مقایسه بین گفتمانی و ردیابی تغییرات معنایی را به صورت دقیق‌تر فراهم می‌کنند. اشباع مفهومی زمانی احراز شد که گزاره‌های تازه، الگوی معنایی و هژمونیک جدیدی نمی‌افزودند.

تحلیل داده‌ها براساس الگوی سه‌بعدی فرکلاف و با بهره‌گیری از مفاهیم کلیدی لاکلا-موف، در سه مرحله متوالی انجام گرفت: الف) تحلیل واژگان (مرحله توصیف): در گام نخست، با رویکرد توصیفی و براساس تمایز سه‌گانه فرکلاف، واحدهای واژگانی گزاره‌های استخراج‌شده، در سه سطح تجربی (واژگان ناظر بر واقعیت‌های مادی: تراز آب، حبابه، طرح‌ها)، رابطه‌ای (واژگان ناظر بر روابط اجتماعی و کنشگران و نهادها: مشارکت، تعهد، مسئولیت، ذی‌نفع)، و بیانی (واژگان حامل نگرش، قضاوت، هنجار و ارزش گذاری: پایداری، عدالت، اولویت، بحران و نجات) دسته‌بندی و در یک جدول قرار داده شدند. سپس با تحلیل بسامد واژگانی، شناسایی استعاره‌های معنایی (مثلاً «احیا» به مثابه «نجات/اورژانس» در برابر «طبیعت/خشک‌سالی») و رمزگشایی کدهای پنهان ایدئولوژیک، شبکه‌های معنایی حاکم بر متن بازسازی شد. این گام، پل عبور از سطح زبانی به سطوح عمیق‌تر گفتمانی است.

ب) کردار گفتمانی (مرحله تفسیر): در این مرحله، متن در بافت موقعیتی و زمینه اجتماعی-تاریخی شکل‌گیری گفتمان ستاد احیا قرار گرفت و با تکیه بر مفاهیم بنیادین نظریه لاکلا تحلیل شد. مفاهیمی نظیر دال تهی (نشانه‌ای محوری که معنا را حول خود سازمان می‌دهد، بدون آنکه معنای ثابتی داشته باشد)، مفصل‌بندی (فرایند پیوند دادن عناصر پراکنده در قالب یک نظام معنایی منسجم)، زنجیره‌های هم‌ارزی (ارتباطات معنایی میان عناصر گفتمان در برابر یک امر متضاد مشترک)، دال‌های شناور (نشانه‌هایی با معنای متغیر در نزاع گفتمانی)، اسم‌سازی (تبدیل فرایندها به مفاهیم ایستا) و انسداد معنا (کوشش برای تثبیت موقتی معانی در برابر سیالیت نشانه‌ها) به عنوان ابزار تحلیلی (لاکلا، ۱۴۰۰) به کار گرفته شدند. این مرحله نحوهٔ برساخت هویت‌ها، مرزبندی «خود-دیگری» و تلاش برای هژمونیک‌سازی دال احیا را روشن می‌کند؛ برای مثال، مفاهیم دال تهی (احیا)، دال‌های شناور (مشارکت، معیشت، خودکفایی)، زنجیره‌های هم‌ارزی (احیا، پایداری، فناوری) در برابر دیگری مشترک (خشک‌سالی، مصرف بالا، سوءمدیریت)، اسم‌سازی (تبدیل فرایندهای سیال به نام‌واژه‌های ثابت مانند «تثبیت» و «نقشه راه») و انسداد معنا (کوشش برای تثبیت موقتی نظم نمادین) واکاوی شدند.

پ) کردار اجتماعی (تبیین اجتماعی-ایدئولوژیک): در این گام، بر مبنای لایه سوم مدل فرکلاف، یافته‌های تفسیری در بستر ساختارهای کلان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفتند: الگوهای قدرت، سازوکارهای مشروعیت‌بخشی (کارشناسی، امنیتی، ملی)، منطق‌های نمایندگی و فراخوان و راهبردهای هژمونیک‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمان‌های رقیب بررسی شد. پیوندهای گفتمان رسمی با معیشت کشاورزان، سیاست‌های بخش آب-کشاورزی و فشارهای بودجه‌ای و تحریمی نیز برای توضیح شکاف گفتار-کردار تحلیل شد. کدگذاری در سه دور انجام گرفت: الف) کدگذاری باز مضمونی برای استخراج دال‌ها، استعاره‌ها، گزاره‌های هنجاری و ارجاعات بینامتنی؛ ب) کدگذاری محوری برای پیوند کدها در قالب خوشه‌های معنایی (زنجیره‌های هم‌ارزی/افتراقی، دال‌های شناور، نقاط گرهی)؛ و پ) کدگذاری گزینشی و تفسیری برای صورت‌بندی منطق هژمونیک و الگوهای انسداد و بی‌ثباتی معنا. دفتر کد و مسیر تحول کدها مستندسازی شد تا بازسازی‌پذیری تحلیل ممکن باشد.

در پژوهش‌های کیفی و به‌ویژه در تحلیل گفتمان انتقادی، اعتبار و قابلیت اعتماد به‌جای اتکا به معیارهای آماری، بر پایه شفافیت روش‌شناختی، بازسازی‌پذیری تحلیل و انسجام نظری-تحلیلی بنا شده است (محمدپور، ۱۳۹۸؛ ویتور و همکاران، ۲۰۰۱). در این مطالعه، برای تقویت چهار شاخص باورپذیری، اطمینان‌پذیری، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری اقدامات زیر انجام شد:

مثلاً سازی داده/ منبع با ترکیب اسناد رسمی، خبرنامه‌ها، مصاحبه‌ها و مناظره‌ها؛ ممیزی روایی^۱ با ثبت مراحل استخراج گزاره‌ها، دفاتر کد و تصمیمات تحلیلی؛ بازبینی همتایان^۲ روی نگاشت‌های معنایی و زنجیره‌های هم‌ارزی؛ هم‌نهادسازی نظری از طریق انطباق مداوم یافته‌ها با دو چارچوب نظری (فرکلاف؛ لاکلا-موف) و پرهیز از التقاط ناسازگار.

استفاده از چارچوب نظری سه‌لایه‌ای فرکلاف (تحلیل متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی) امکان ارزیابی مجدد تحلیل را برای مخاطبان فراهم می‌سازد. در هر مرحله، با مستندسازی دقیق واژگان کلیدی، دال‌های مرکزی، زنجیره‌های هم‌ارزی و مفصل‌بندی‌های گفتمانی، مسیر استدلال از سطح متن به سطح معنا و از آن به سطح تبیین اجتماعی، به‌طور شفاف ترسیم شده است. همچنین با بهره‌گیری از منابع متنوع شامل اسناد رسمی، مصاحبه‌ها، داده‌های رسانه‌ای و گفتارهای نهادی و با نمونه‌گیری نظری تا مرحله اشباع مفهومی، تلاش شد اعتبار تحلیلی و انتقال‌پذیری مفهومی پژوهش ارتقا یابد.

علاوه‌براین، برای ارتقای انسجام درونی تحلیل، تلاش شد تا مفاهیم نظری، چارچوب تحلیلی و داده‌های تجربی در پیوندی سازگار پیش روند، هرچند اذعان داریم که بروز پارادوکس‌ها نیز بخشی از واقعیت گفتمانی چندلایه در بحران‌های زیست‌محیطی ایران است (آشمور، ۱۹۸۹؛ هاروی، ۱۹۹۱؛ لیوتارد، ۱۹۸۴؛ یورگنسن و فیلیپس، ۱۴۰۰: ۲۷۶).

درنهایت، با تأکید بر نقد درونی و ارزیابی انسجام میان پیش‌فرض‌های فلسفی، چارچوب نظری و منطق روش‌شناختی، تلاش شده است مخاطب بتواند با سنجش درونی پژوهش، اعتبار آن را داوری کند و مسیر نقد و توسعه پژوهش‌های آتی گشوده شود. بر همین اساس، برای ارتقای اعتمادپذیری تحلیل، فرایند کدگذاری، مفصل‌بندی‌های گفتمانی و استنتاج‌ها به‌صورت مستند و بازسازی‌پذیر تدوین شده‌اند و تنوع منابع و انسجام تحلیلی به‌عنوان مبنای ارزیابی و اعتبار در نظر گرفته شده‌اند. همچنین پژوهش محدودیت‌هایی از جمله وابستگی به داده‌های ثانویه، عدم امکان دسترسی به برخی اسناد محرمانه و محدودیت‌های ناشی از تعداد نمونه‌های مصاحبه‌ای در برخی مناطق داشت که این محدودیت‌ها در تفسیر نهایی نتایج باید مدنظر قرار گیرند.

۵. یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

۵-۱. استخراج واژگان و مقوله‌های مرکزی

در فرایند تحلیل داده‌ها، ابتدا گزاره‌ها و واژگان کلیدی متون و اسناد مرتبط با ستاد احیای دریاچه ارومیه استخراج شد. سپس این واحدهای معنایی براساس قرابت مفهومی و هم‌پوشانی دلالتی، در قالب مقوله‌های مرکزی سامان‌دهی شدند. جدول ۲ بازنمایی این فرایند است که در آن واژگان و عبارات برجسته ذیل مقوله‌های اصلی جایگذاری شده‌اند و بدین‌ترتیب مبنایی برای مراحل بعدی تحلیل واژگان، تفسیر گفتمانی و تحلیل انتقادی فراهم آمده است.

جدول ۲. مقوله‌های مرکزی، واژه‌ها و عبارات

مقوله‌های مرکزی	واژگان و عبارات
ابعاد اکولوژیک و طبیعی بحران	تغییرات تراز دریاچه در ارتباط با بارش‌ها و تبخیر
عوامل علی و ساختاری	برداشت بی‌رویه آب، توسعه کشاورزی پر آب‌بر، بهره‌وری پایین
پیامدهای اجتماعی-محیط‌زیستی	خسارت به سلامت، معیشت و اکوسیستم
الگوی توسعه و کشاورزی پر مصرف	افزایش سطح زیر کشت آبی و باغی، تغییر الگوی کشت به محصولات پرآب‌بر
بحران حکمرانی آب	عدم حفاظت مؤثر، استفاده غیرمجاز، عدم کنترل
راهبردهای اصلاحی و پایدار	تغییر الگوی کشت، بهینه‌سازی آبیاری، آموزش کشاورزان
سیاست‌های نهادی پایدار	کنترل برداشت، تحویل حجمی، توقف سدسازی
راهکارهای معیشتی جایگزین	بوم‌گردی، گیاهان دارویی، مشاغل خانگی، حمایت اقتصادی
مشارکت و حکمرانی تعاملی	حضور بخش خصوصی، جوامع محلی، تشکل‌های آب‌بران
ابعاد بین‌المللی و همکاری فراملی	پروژه‌های مشترک با سازمان‌ها و کشورها
فرایند اجرایی و فازبندی احیا	تثبیت، اقدامات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری
مقاومت‌های نهادی و تضاد منافع	مخالفت با طرح نکاشت، فشار برای توسعه کشاورزی
محدودیت‌های اقتصادی-نهادی	کمبود سرمایه، تحریم‌ها
امکان‌پذیری علمی و فنی احیا	رفتار کف دریاچه، امید به احیا
تخصیص اعتبارات و چالش‌های اجرایی	سهم‌بندی بودجه بین وزارتخانه‌ها
چشم‌انداز و اهداف کلان	پایداری محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی

۵-۲. سطح متن (توصیف)

تحلیل واژگان گفتمان ستاد احیا نشان می‌دهد این گفتمان واجد یکی از ساخت‌یافته‌ترین و نظام‌مندترین زبان‌های مدیریتی در حوزه سیاست‌گذاری محیط‌زیستی معاصر ایران است. این زبان با اتکای هم‌زمان به زبان تجربی (علم‌محور) و زبان رابطه‌ای (ساختارگرا)، روایتی منسجم، سنجش‌پذیر و مدیریتی از بحران ارائه می‌کند که با گفتمان‌های پیشین و پسین تفاوت معناداری دارد.

واژگان تجربی (علم‌محور): واژگان تجربی به‌کاررفته در متون ستاد احیا مانند «تراز دریاچه»، «حجم باران»، «میزان تبخیر»، «وسعت سطح زیر کشت»، «تعداد چاه‌ها»، «میزان مصرف آب» و «درصد پیشرفت پروژه‌ها» همگی واژگانی داده‌محور هستند که بحران را به‌عنوان پدیده‌ای قابل‌اندازه‌گیری و کنترل بازنمایی می‌کنند. این رویکرد، بحران را نه صرفاً رخدادی طبیعی و خارج از کنترل، بلکه برآیند تعامل عوامل انسانی و محیطی معرفی می‌کند و امکان مدیریت و معکوس‌سازی آن را با ابزارهای علمی برجسته می‌سازد. در این چارچوب، زبان فنی به ابزاری برای اعتباربخشی به مداخلات ستاد تبدیل می‌شود.

واژگان رابطه‌ای (ساختاری و نهادی): واژگانی مانند «ستاد احیا»، «مشارکت مردم»، «وزارت نیرو»، «برنامه جامع»، «مدیریت یکپارچه»، «نهادهای مسئول»، «برنامه میان‌مدت و بلندمدت»، «دستگاه‌های اجرایی» به ساختارها، نهادها و روابط اجرایی و سیاست‌گذاری اشاره دارند. این زبان، همکاری نهادی و سازوکار تصمیم‌گیری را در قلب گفتمان قرار می‌دهد و آن را به بخشی از روایت اصلی بحران و احیا بدل می‌کند.

واژگان بیانی (ارزش‌گذارانه و اقناعی): اگرچه سهم واژگان بیانی کمتر است، اما در اقناع افکار عمومی نقشی کلیدی دارند. عباراتی مانند «بحران»، «امید به احیا»، «نفس‌های آخر»، «فروپاشی اکولوژیک»، «مرگ تدریجی»، «احیای نفس طبیعت»، «در آستانه

فاجعه» و «پروژه موفق ملی» بار عاطفی و ارزشی بالایی دارند و با ساخت تصویر ذهنی قوی از بحران، پذیرش اجتماعی اقدامات را تقویت می کنند.

بسامد بالایی واژگان تجربی و رابطه‌ای نسبت به واژگان بیانی در این متون، نشان‌دهنده تلاش گفتمان برای اتکا به زبان علمی، مدیریتی و فنی در توصیف بحران است. این ترکیب زبانی سعی دارد مشروعیت خود را از طریق ارجاع به داده‌ها و ساختارهای اجرایی تثبیت کند. از منظر ایدئولوژیک، این گفتمان بازتاب‌دهنده ترکیبی از سه منطق اصلی است: منطق علم‌گرایی (با تأکید بر داده‌ها و شاخص‌های فنی)؛ منطق برنامه‌ریزی و حکمرانی مشارکتی (با تکیه بر نقش نهادهای مختلف و مدیریت جامع)؛ و منطق ملی‌گرایی محیط‌زیستی (که دریاچه را «سرمایه طبیعی» و «افتخار ملی» معرفی می کند). در این گفتمان، سه استعاره مفهومی به شکل آشکار و پنهان قابل‌شناسایی هستند: استعاره «بدن بیمار» که به دریاچه به مثابه موجود زنده‌ای می نگرد که نفس‌های آخر را می کشد یا در آستانه مرگ است و احیای آن مانند درمان و بازیابی سلامت تلقی می شود؛ استعاره «طبیعت در حال فروپاشی» که بحران دریاچه را به مثابه شکست نظام طبیعی معرفی می کند که نیاز به مداخله علمی و هماهنگ دارد؛ و استعاره «نجات ملی» که در تلاش است طرح احیای دریاچه را در قالب اقدام نجات‌بخش و وظیفه ملی بازنمایی کند.

درمجموع، زبان این گفتمان واجد سه ویژگی کلیدی است: انسجام گفتمانی بالا (در نسبت میان واژگان تجربی، رابطه‌ای و بیانی)؛ اقتدار علمی/بوروکراتیک (با تکیه بر اعداد، داده‌ها، برنامه‌ریزی و تحلیل)؛ و پرهیز از ستیز آشکار با گفتمان‌های رقیب (برای حفظ تمرکز بر مشروعیت علمی و نهادی).

این الگوی واژگانی، عملاً در خدمت تثبیت گفتمان توسعه پایدار علمی، مرحله‌مند و قابل‌برنامه‌ریزی در مدیریت بحران دریاچه ارومیه قرار می گیرد.

جدول ۳. مقوله‌های واژگانی

مقوله واژگانی	نمونه واژگان	نوع واژگان (تجربی، رابطه ای، بیانی)	کدهای ایدئولوژیک، استعاره‌های کلیدی	کارکرد گفتمان
واژگان تجربی (علم‌محور)	تراز دریاچه، حجم آب، میزان تبخیر، وسعت زیر کشت، تعداد چاه‌ها، میزان مصرف آب، درصد پیشرفت پروژه‌ها	تجربی	منطق علم‌گرایی	بازنمایی بحران به عنوان پدیده‌ای قابل‌سنجش و کنترل
واژگان رابطه‌ای (ساختاری-اجرایی)	ستاد احیا، مشارکت مردم، وزارت نیرو، برنامه جامع، مدیریت یکپارچه، نهادهای مسئول، برنامه میان‌مدت و بلندمدت، دستگاه‌های اجرایی	رابطه‌ای	منطق برنامه‌ریزی و حکمرانی مشارکتی	مشروعیت بخشی به ساختارهای نهادی و سیاست‌گذاری
واژگان بیانی (عاطفی-ارزشی)	بحران، امید به احیا، نفس‌های آخر، فروپاشی اکولوژیک، مرگ تدریجی، احیای نفس طبیعت، در آستانه فاجعه، پروژه موفق ملی	بیانی	منطق ملی‌گرایی محیط‌زیستی	اقتناع افکار عمومی، بسیج عاطفی و تصویرسازی ذهنی از بحران
استعاره‌ها	بدن بیمار، طبیعت در حال فروپاشی، نجات ملی	ترکیبی	بازتاب سه منطق یادشده (علم‌گرایی، برنامه‌ریزی، ملی‌گرایی)	معنا بخشی عمیق‌تر به بحران و احیا
ویژگی‌های کلیدی زبان	انسجام گفتمان، اقتدار علمی/بوروکراتیک، پرهیز از ستیز آشکار با گفتمان‌های رقیب	ترکیبی	تثبیت گفتمان توسعه پایدار	نمایش مدیریت بحران به مثابه اقدامی علمی، مرحله‌مند و قابل‌برنامه‌ریزی

۵-۳. سطح کردار گفتمانی (تفسیر)

گفتمان ستاد احیای دریاچه ارومیه، روایتی منسجم و هدفمند از بحران و راهکارهای مقابله با آن را ارائه می‌دهد که بر محور پایدار منابع آب‌وخاک ایران شکل گرفته است. این گفتمان می‌کوشد مسئله دریاچه ارومیه را از یک معضل محلی فراتر ببرد و به بخشی از سیاست‌های کلان مدیریت محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور ارتقا دهد. در این چارچوب، احیای دریاچه نه به‌عنوان یک هدف اکولوژیک، بلکه به‌مثابه شاخصی از توانمندی حکمرانی علمی و مشارکتی تلقی می‌شود؛ حکمرانی‌ای که به‌جای اتکای صرف بر پروژه‌های سازه‌ای، بر اصلاح الگوی مصرف آب در کشاورزی، تغییر الگوی کشت و ایجاد معیشت‌های جایگزین استوار است.

این گفتمان بر پایه یک مفصل‌بندی دقیق میان چهار محور اصلی سامان یافته بود: مدیریت پایدار منابع آب، گذار به کشاورزی کم‌مصرف، حکمرانی تعاملی-مشارکتی و بهره‌گیری از تجارب علمی و بین‌المللی. این ساختار، شبکه‌ای معنایی ایجاد می‌کند که بحران دریاچه را هم به‌عنوان مسئله‌ای بومی و هم به‌عنوان بخشی از افق کلان سیاست‌های ملی مدیریت آب‌وخاک ایران بازنمایی می‌کند. داده‌های تجربی مانند تغییرات تراز دریاچه، روندهای بارشی و آمار برداشت آب در کنار استدلال‌های فنی و زبان سیاست‌گذاری، به این پیوند وجه عینی می‌بخشند.

دال مرکزی این گفتمان، افزون بر «احیای دریاچه ارومیه»، «مدیریت پایدار منابع آب‌وخاک ایران» است. در این چارچوب، بازسازی کارکردهای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی دریاچه با سیاست‌های کلان ملی گره می‌خورد. این دال با عناصر متنوعی مانند تحویل حجمی آب، تغییر الگوی کشت، کاهش ۴۰ درصدی مصرف آب کشاورزی، توسعه مشاغل جایگزین، توقف سدسازی و جلوگیری از گسترش باغات آبی در اراضی شیب‌دار تقویت می‌شود و انسجام معنایی گفتمانی را تثبیت می‌کند.

در کنار این عناصر، دال‌های سیال مانند «کشاورزی پایدار»، «زنجیره ارزش»، «مشارکت بخش خصوصی»، «پایش مستمر» و «معیشت جایگزین» به‌مثابه پل‌های ارتباطی میان بازیگران مختلف عمل می‌کنند. این دال‌ها بسته به زمینه و مخاطب، مصادیق متفاوتی می‌یابند؛ برای برخی، «کشاورزی پایدار» معادل اصلاح آبیاری و کاهش مصرف آب است و برای برخی دیگر، تغییر کشت و توسعه محصولات کم‌آب‌بر را شامل می‌شود. چنین سیالیتی در عین تسهیل ائتلاف‌سازی، خطر تهی‌شدن محتوایی سیاست‌ها را نیز در پی دارد.

مدلول‌ها در این گفتمان، نشانگر پیوندهای معنایی میان نشانه‌های عینی و دال‌های مرکزی گفتمان احیای دریاچه هستند. مقایسه تغییرات تراز دریاچه با میزان بارش سالیانه در دوره‌های مختلف، مدلولی بر دال «تأثیر سیاست‌گذاری دولت‌ها بر وضعیت دریاچه» است؛ زیرا این تغییرات فقط حاصل نوسانات طبیعی نیستند و اثر سیاست‌ها و تصمیمات مدیریتی را نیز بازتاب می‌دهند. نسبت مصرف آب به تولید ناخالص ملی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات، مدلولی بر دال «عدم بهره‌وری کشاورزی» محسوب می‌شود که ناکارآمدی الگوهای تولید و مصرف آب را بازنمایی می‌کند. رفتار دینامیک بستر دریاچه و عدم تبدیل آن به پلایا، مدلولی بر دال «احیایذیری» دریاچه است که امکان بازگشت حیات را تأیید می‌کند. در مقابل، افزایش پنهانی سطح زیر کشت، تخطی از مصوبات ستاد احیا و برداشت غیرمجاز از منابع، مدلول‌های «ناکامی اجرایی گفتمان» هستند که ریشه در مقاومت‌های نهادی دارند و مانع تحقق کامل اهداف احیا شده‌اند.

اسم‌سازی‌هایی مانند «تشکل‌های آب‌بران»، «حکمرانی پایدار»، «سیاست‌گذاری جایگزین» و «تحویل حجمی آب»، به گفتمان، لحنی فنی و تخصصی می‌بخشند و بخشی از مقاومت‌ها و تضادهای نهادی را در قالب زبانی فنی پنهان می‌کنند. در همین راستا، زنجیره‌های هم‌ارزی گفتمان شکل گرفته‌اند که چهار محور اصلی را برجسته می‌کنند: زنجیره دلایل بحران شامل نوسانات اقلیمی،

کاهش بارش، برداشت بی‌رویه، توسعه کشاورزی پرآب‌تر و بهره‌وری پایین؛ زنجیره اصلاحات کشاورزی شامل تغییر الگوی کشت، بهینه‌سازی آبیاری و آموزش کشاورزان؛ زنجیره حکمرانی آب که بر کنترل برداشت، تعدیل پروانه‌ها و تحویل حجمی تأکید داشت؛ و زنجیره تثبیت معیشت از طریق بوم‌گردی، گیاهان دارویی، صنایع‌دستی و مشاغل جایگزین.

فرایند انسداد معنا با تأکید بر «احیایپذیری دریاچه» و کنارزدن روایت «پایان‌پذیری طبیعی بحران» پیش می‌رود. داده‌های فنی مانند رفتار دینامیک کف دریاچه و جلوگیری از تبدیل آن به پلایا، امکان احیا را برجسته می‌کنند و هم‌زمان، با «غیریت‌سازی»، برداشت غیرمجاز و توسعه کشاورزی پرمصرف و مقاومت در برابر محدودسازی آب، به‌عنوان «دیگری» بازنمایی می‌شوند که با اهداف احیا در تضادند. این تضاد نه‌تنها میان کشاورزان و ذی‌نفعان محلی، بلکه با برخی نمایندگان مجلس، وزرای نیرو و کشاورزی و حتی شورای امنیت که مانع اجرای طرح‌هایی مانند نکاشت یا محدودسازی کشت پرآب‌بر بودند نیز رخ می‌دهد.

میدان گفت‌وگویی این رویکرد، از مواجهه و رقابت با گفت‌وگوهای موازی شکل گرفت: گفت‌وگوهای توسعه‌گرای کشاورزی که افزایش سطح زیر کشت آبی و گسترش باغات پر آب را اولویت می‌داد، گفت‌وگوهای اقلیم محور که بحران را عمدتاً ناشی از تغییرات آب‌وهوایی می‌دید و نقش سیاست‌گذاری را کم‌رنگ می‌کرد و گفت‌وگوهای محلی که بر حفظ الگوی معیشت سنتی تأکید داشتند. گفت‌وگوهای ستاد احیا با تلفیق داده‌های علمی و رویکردهای مشارکتی تلاش می‌کرد بر این میدان مسلط شود، هرچند موفقیت آن نسبی بود. در سطح بینامتنیت، این گفت‌وگو به اسناد و توافقات بین‌المللی مانند همکاری با سازمان ملل، سازمان همکاری‌های بین‌المللی ژاپن (JICA) و استانداردهای جهانی مدیریت تالاب پیوند می‌خورد. این ارجاعات جایگاه گفت‌وگو را در یک بستر جهانی تثبیت می‌کنند و آن را به شبکه‌ای از تجارب و دانش‌های فراملی متصل می‌سازند. در سطح ملی، ارتباط با تجربه‌های داخلی از طریق استفاده از دانش بومی و تجربیات کشاورزان محلی برجسته می‌شود. این پیوند دوسویه، گفت‌وگو را هم به عرصه جهانی و هم به میدان محلی گره می‌زند. فاصله‌گذاری با گفت‌وگو پیشین، عمدتاً با نقد ضمنی سیاست‌های دولت‌های نهم و دهم به‌عنوان نمونه‌ای از «توسعه بی‌ضابطه» صورت می‌گیرد که این امر به تقویت مرزبندی هویتی گفت‌وگو کمک می‌کند.

جدول ۴. مقوله‌های لاکلایی در تفسیر داده‌ها

مفهوم لاکلایی	مصادیق در داده‌ها	توضیح و کارکرد
دال تهی	دریاچه ارومیه	حامل معانی متکثر: بحران محیط‌زیستی، ناکارآمدی حکمرانی، هویت سرزمینی، نماد نابرابری
دال مرکزی	احیای دریاچه ارومیه، مدیریت پایدار منابع آب و خاک ایران	محور انسجام معنایی گفت‌وگو؛ بحران را از امر محلی به سیاست کلان ملی ارتقا می‌دهد.
زنجیره‌های هم‌ارزی	زنجیره دلایل بحران، زنجیره اصلاحات کشاورزی، زنجیره حکمرانی آب، زنجیره تثبیت معیشت	این زنجیره‌ها تلاش داشتند انسجام معنایی ایجاد کنند و مشروعیت سیاست‌ها را تقویت کنند.
دال‌های سیال	کشاورزی پایدار، زنجیره ارزش، مشارکت بخش خصوصی، پایش مستمر، معیشت جایگزین	بسته به مخاطب و موقعیت معنای متفاوت می‌گیرند (گاهی صرفاً اصلاح آبیاری، گاهی تغییر بنیادین الگوهای کشت). این سیالیت هم ائتلاف‌سازی را تسهیل می‌کند و هم خطر تهی‌شدن سیاست‌ها را در پی دارد.
مدلول‌ها	تغییرات تراز دریاچه: دال سیاست‌گذاری نسبت مصرف آب به GDP: دال عدم بهره‌وری کشاورزی رفتار دینامیک بستر دریاچه: دال احیایپذیری تخلی از مصوبات و برداشت غیرمجاز: دال ناکامی اجرایی	نشانه‌های عینی که معنا را به دال مرکزی پیوند می‌دهند.

مفهوم لاکلایی	مصادق در داده‌ها	توضیح و کارکرد
اسم‌سازی‌ها	تشکل‌های آب‌بران، حکمرانی پایدار، سیاست‌گذاری جایگزین، تحویل حجمی آب	زبان فنی-بوروکراتیک که بخشی از مقاومت‌ها و تضادها را در پوشش تخصصی پنهان می‌کند
انسداد معنا	تأکید بر احیاءپذیری و نفی روایت مرگ طبیعی دریاچه	تلاش برای تثبیت معنا و بسیج اجتماعی به نفع احیا
غیریت‌سازی	کشاورزی پرمصرف، برداشت غیرمجاز، سدسازی، مخالفت برخی از نمایندگان مجلس، وزرا، شورای امنیت	دیگری‌هایی که مانع تحقق اهداف معرفی شدند
میدان گفتمانی و رقابت‌ها	گفتمان توسعه‌گرایی کشاورزی؛ گفتمان اقلیم‌محور، گفتمان محلی (تداوم معیشت سنتی)	ستاد احیا با اتکا به علم و مشارکت تلاش کرد بر این میدان مسلط شود، اما موفقیت نسبی و محدود بود
بینامتنیت	همکاری با سازمان ملل و JICA، استفاده از استانداردهای جهانی، بهره‌گیری از دانش بومی کشاورزان	مشروعیت‌سازی از طریق اتصال به منابع بین‌المللی و داخلی؛ پیوند هم‌زمان به سطح جهانی و محلی

۵-۴. سطح کردار اجتماعی (تبیین)

گفتمان احیای دریاچه ارومیه در دولت یازدهم و دوازدهم بر بستری شکل گرفت که این بحران، پیش‌تر به یک «مسئله نمادین ملی» تبدیل شده بود. انتشار تصاویر خشکی بستر دریاچه، بروز طوفان‌های نمکی و افزایش فشار افکار عمومی، به همراه پوشش گسترده رسانه‌ای، دولت را واداشت تا مسئله را به صدر اولویت‌های سیاست‌گذاری محیط‌زیستی خود منتقل کند. رویکرد دولت از ابتدا بر دو محور «بازگشت به حاکمیت علم» و «حکمرانی مشارکتی» استوار بود. این دو محور درواقع بازتابی از گفتمان علمی-فنی (با تأکید بر دال‌های تاب‌آوری و فناوری و حکمرانی) و گفتمان اجتماعی-انتقادی (با تأکید بر عدالت) محسوب می‌شوند. تشکیل ستاد احیا، جلب همکاری کارشناسان داخلی و بین‌المللی و مشارکت سازمان ملل و آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن (JICA) بخشی از تلاش آگاهانه برای ساختن هژمونی این گفتمان به‌شمار می‌رفت. در این میان، دولت کوشید از این بحران به‌عنوان فرصتی برای نمایش «مدیریت عقلانی» و فاصله‌گذاری گفتمانی و عملکردی با دولت پیشین بهره گیرد.

در این گفتمان، بحران نه یک رویداد طبیعی صرف، بلکه به‌مثابه پدیده‌ای انسان‌ساخت تعریف شد. برخلاف دولت‌های نهم و دهم که بر نقش عوامل طبیعی تأکید و عاملیت انسانی را کم‌رنگ می‌کرد، این گفتمان سیاست‌های کشاورزی و مدیریت آب را به‌عنوان محرک‌های اصلی بحران برجسته کرد و این مدعا را با داده‌های علمی مستند ساخت. در اینجا گفتمان علمی-فنی با اتکا به داده‌های تجربی و دال فناوری برجسته می‌شود؛ درحالی‌که نقد سیاست‌های توسعه سازه‌ای و توجه به مشارکت محلی، نشانه‌ای از گرایش اجتماعی-انتقادی و دال مقاومت است. نقد سیاست‌های توسعه سازه‌ای و سدسازی، توقف طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای و جایگزینی آن با حکمرانی اکولوژیک شامل مدیریت مصرف، تحویل حجمی آب و توقف توسعه باغات، عناصر کلیدی این تغییر پارادایم بودند. پیوند میان دانش بومی و تخصص جهانی نیز از طریق مشارکت فعال کشاورزان در الگوهای کشت اصلاح‌شده و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی دنبال شد. این ترکیب به‌نوبه خود نشان‌دهنده تلفیق گفتمان علمی-فنی و اجتماعی-انتقادی در چارچوب تحلیل انتقادی بود که فرکلاف و لاکلا و موف به آن اشاره می‌کنند.

ملی‌سازی مسئله احیا، یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های این گفتمان بود؛ به‌گونه‌ای که بحران از سطح یک مسئله محلی فراتر رفت و به مسئله‌ای ملی ارتقا یافت و «نجات دریاچه» به نماد توانمندی کشور در حل مسائل پیچیده بدل شد. در این فرایند، انسداد معنایی در برابر «روایت مرگ طبیعی» از طریق تأکید بر احیاءپذیری و ارائه شواهد پیشرفت نسبی دنبال شد. باین‌حال، لغو «طرح نکاشت» و مقاومت نهادهای دیگر نشان داد این انسداد به‌طور کامل تثبیت نشده است. این مقاومت درواقع بیانگر محدودیت در تحقق دال عدالت محیط‌زیستی و مقاومت اجتماعی در چارچوب گفتمان اجتماعی-انتقادی است.

از منظر اجتماعی و فرهنگی، افزایش آگاهی عمومی نسبت به محیط‌زیست و برجسته‌سازی ارزش‌های اکولوژیک توسط رسانه‌ها، زمینه پذیرش اجتماعی گفتمان را فراهم می‌کرد. با وجود این، فرهنگ کشاورزی منطقه - که بر برداشت حداکثری منابع آب استوار است - مانعی پایدار برای تغییر الگوها بود. دولت با روایت‌سازی مثبت از «نجات ملی» و «مسئولیت مشترک» تلاش کرد همدلی فرهنگی ایجاد کند، هرچند این همدلی بیشتر در سطح نمادین باقی ماند تا در رفتار واقعی. این نکته بازتاب شکاف میان گفتمان ستاد و واقعیت‌های اجتماعی-معیشتی کشاورزان است که در سطح دال عدالت و مقاومت محیط‌زیستی خود را نشان می‌دهد.

از منظر سیاسی، حضور نیروهای تکنوکرات در بدنه تصمیم‌گیری، امکان شنیده‌شدن گفتمان علمی را فراهم کرد. با این حال، ساختار قدرت چندلایه و نقش نهادهای دیگر، دامنه اقدامات اصلاحی را محدود ساخت. مقاومت وزارت جهاد کشاورزی در برابر تغییر الگوی کشت و محدودیت برداشت آب و نیز ملاحظات وزارت نیرو در تخصیص حقابه دریاچه (تجربشی، ۱۴۰۱؛ کلانتری، ۱۴۰۲)، نشانه‌های آشکار تعارض نهادی بود. تحلیل هژمونیک لاکالایی درخصوص رقابت گفتمان‌ها، غیریت‌سازی و مانع‌تراشی نهادی در اینجا برجسته می‌شود.

از منظر اقتصادی، وابستگی معیشت روستاها به کشاورزی آب‌بر، اجرای سیاست‌های محدودکننده را پرهزینه و پرریسک می‌کرد (کلانتری، ۱۴۰۲). این وابستگی دقیقاً نقطه تعارض میان منطق تاب‌آوری (در گفتمان علمی-فنی) و عدالت اجتماعی (در گفتمان اجتماعی-انتقادی) است. کمبود منابع مالی دولت و اولویت‌یافتن پروژه‌های اقتصادی دیگر، برخی طرح‌های احیا را کند یا نیمه‌تمام باقی گذاشت (همان). این محدودیت‌ها نشان می‌دهد تثبیت کامل هژمونی گفتمان‌های علمی-فنی و اجتماعی-انتقادی، بدون مدیریت دقیق تضادهای نهادی و اجتماعی امکان‌پذیر نبوده است.

در بعد ایدئولوژیک، این گفتمان با ترویج ایده «حاکمیت علم» و «مدیریت مشارکتی»، مرزبندی خود را با منطق اقتدارگرایانه پیشین تثبیت کرد. ایده «حاکمیت علم» برآمده از دال‌های فناوری، تاب‌آوری و حکمرانی در گفتمان علمی-فنی است؛ درحالی‌که «مدیریت مشارکتی» و ارجاع به مسئولیت مشترک، بیشتر وجه اجتماعی و فرهنگی گفتمان را برجسته می‌سازد. استفاده از مفاهیم نرم ملی‌گرایانه نظیر «نجات ملی» و «آینده فرزندان» توانست مقبولیتی نسبی در میان نخبگان و بخشی از افکار عمومی ایجاد کند، اما فقدان ائتلاف پایدار میان دولت، جامعه مدنی و ذی‌نفعان اقتصادی مانع هژمونیک‌شدن آن شد (درویش، ۱۴۰۱).

از نظر سازوکار معنایی، گفتمان احیا با برجسته‌سازی داده‌های علمی، تجربه‌های جهانی و همکاری‌های بین‌المللی کوشید روایت صرفاً اقلیمی از بحران را به حاشیه براند و سوءمدیریت و ناکارآمدی ساختارها را به محور تحلیل بدل کند. به این ترتیب، سیاست‌های سدسازی، طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای و کشاورزی پرآب‌بر به‌عنوان مصادیق توسعه ناپایدار معرفی شده و از منظر گفتمان اجتماعی-انتقادی، ناکامی در تحقق عدالت محیط‌زیستی و مقاومت در برابر الگوهای مسلط را برجسته می‌کند.

در حوزه قدرت، این گفتمان از پشتیبانی علمی و سیاسی دولت، حمایت دانشگاهیان و فعالان محیط‌زیست، همکاری نهادهای بین‌المللی و تأمین نسبی منابع مالی برخوردار بود و ظرفیت بالقوه برای هژمونیک‌شدن در مقیاس ملی داشت، اما ترس دولت از مواجهه با اتهامات سیاسی، نداشتن جسارت در اجرای کامل «طرح نکاشت» و کارشکنی نهادهای ذی‌نفع، مانع تحقق کامل این ظرفیت شد.

در حوزه فراخوان و نمایندگی، کانال‌های ارتباطی عمدتاً رسمی و از طریق نهادهای دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و دانشگاهیان فعال بودند. هدف اصلی، ایجاد وفاق در سطح ملی، استانی و محلی برای نجات دریاچه بود. نمایندگان اصلی این گفتمان را

دانشگاهیان، کنشگران محیط‌زیست، مقامات دولتی و مسئولان ستاد احیا تشکیل می‌دادند که در پی اجرای سیاست‌های مدیریت پایدار منابع آب بودند.

در یک جمع‌بندی، گفتمان احیای دریاچه ارومیه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم را می‌توان نمونه‌ای از تلاقی زبان و قدرت در بستر اجتماعی-اقتصادی ایران دانست؛ تلاشی که هم‌زمان بر چارچوب گفتمان علمی-فنی (تاب‌آوری، فناوری، حکمرانی) و اجتماعی-انتقادی (عدالت، مقاومت) معنا یافت و در پی بازتعریف بحران به مثابه مسئله‌ای انسان‌ساخت بود، اما محدودیت‌های ساختاری، تضاد منافع و اقتصاد متکی بر کشاورزی پرمصرف، مانع دستیابی آن به انسداد معنایی و اجرایی پایدار شد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان ستاد احیای دریاچه ارومیه نشان می‌دهد این گفتمان، در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، یکی از منسجم‌ترین و عملی‌ترین تلاش‌های گفتمانی در حوزه محیط‌زیست معاصر ایران بوده است. در سطح متن (پاسخ به سؤال فرعی ۱)، زبان ستاد احیا با ترکیبی از واژگان تجربی، رابطه‌ای و بیانی، روایتی منسجم، علمی و مدیریتی از بحران ارائه می‌دهد. داده‌ها و شاخص‌های فنی مانند تراز دریاچه و میزان برداشت آب، بحران را در چارچوب گفتمان علمی-فنی و با اتکا به دال‌های مرکزی فناوری و تاب‌آوری به مثابه پدیده‌ای قابل‌اندازه‌گیری و مدیریتی بازنمایی می‌کنند. هم‌زمان، واژگان رابطه‌ای و استعاره‌های عاطفی، بعدی از مشروعیت اجتماعی را برجسته و در امتداد دال حکمرانی تعاملی، انسجام در سطح ملی را تقویت می‌کنند. این زبان درواقع تلاشی برای ترکیب منطق علم‌گرایی با ایده‌های مشارکتی و ملی‌گرایی محیطی است و بحران را در قالبی مدیریتی و قابل‌برنامه‌ریزی بازنمایی می‌کند. در سطح کردار گفتمانی (پاسخ به سؤالات فرعی ۲ و ۵)، گفتمان احیا با ایجاد دال‌های مرکزی و زنجیره‌های هم‌ارزی، «احیا» و «مدیریت پایدار منابع آب» را به عنوان محور انسجام معنایی تثبیت کرده و به این طریق هم اهداف فنی (تحويل حجمی آب، پایش منابع) و هم نمادهای اجتماعی (تغییر الگوی کشت، توسعه مشاغل جایگزین) را پوشش می‌دهد. این روند را می‌توان کوششی برای تلفیق گفتمان علمی-فنی (با تأکید بر فناوری و تاب‌آوری) و گفتمان اجتماعی-انتقادی (با ارجاع به عدالت و مقاومت اجتماعی) دانست. دال‌های سیال مانند «کشاورزی پایدار» و «معیشت جایگزین» گاه با خطر تهی‌شدن معنا مواجه می‌شوند و همین امر انسجام گفتمان را شکننده می‌سازد.

سطح کردار اجتماعی (پاسخ به سؤالات فرعی ۳ و ۴) نشان می‌دهد مقاومت نهادی، تضاد منافع اقتصادی و وابستگی معیشتی کشاورزان مانع تثبیت کامل هژمونی گفتمان احیا شد. تأکید وزارت جهاد کشاورزی و شورای عالی امنیت ملی بر خودکفایی غذایی، در تضاد با منطق تاب‌آوری اجتماعی-اکولوژیک و دال عدالت محیط‌زیستی بوده است. برداشت‌های محلی و وابستگی معیشتی کشاورزان به الگوهای پرمصرف، نیز نشان می‌دهد گفتمان احیا، با وجود پشتوانه علمی و فناورانه، نتوانست با طور کامل با دال‌های مقاومت اجتماعی و عدالت محیط‌زیستی پیوند برقرار کند.

تحلیل سازوکارهای تثبیت معنا و مشروعیت (پاسخ به سؤال فرعی ۵) نیز آشکار می‌سازد که ستاد با ارجاع به همکاری‌های بین‌المللی، دانش بومی کشاورزان و رسانه‌ها، در تلاش برای فراگیرکردن گفتمان خود بوده است. باین‌حال، نبود ائتلاف میان دولت، جامعه مدنی و ذی‌نفعان اقتصادی سبب شد گفتمان احیا نتواند پایداری لازم را ایجاد کند. این وضعیت بازتابی از تنش میان دو قطب اصلی چارچوب مفهومی است؛ یعنی از یک سو، اتکا به گفتمان‌های علمی-فنی با محوریت تاب‌آوری، فناوری و حکمرانی و از سوی دیگر، ناتوانی در تحقق کامل دال‌های عدالت و مقاومت در گفتمان اجتماعی-انتقادی برجسته می‌شوند.

در سطح سیاست‌گذاری نیز هرچند ستاد به عدالت زیست‌محیطی بی‌توجه نبود و تلاش کرد مشارکت جامعه مدنی را جلب کند، اما محدودیت‌های نهادی و اقتصادی سبب شد این بعد از گفتمان به حاشیه رانده شود. بدین ترتیب، پاسخ اصلی پژوهش روشن می‌شود: ستاد احیا، با بهره‌گیری هم‌زمان از دال‌های علمی-فناوری (تاب‌آوری، حکمرانی، فناوری) و اجتماعی-انتقادی (عدالت و مقاومت)، تلاشی جدی برای معنادادن به بحران و ایجاد هژمونی داشت، اما شکاف‌های نهادی، تضاد منافع و نبود پیوند عاطفی-اجتماعی، امکان تثبیت کامل هژمونی را از بین برد.

به‌طور خلاصه، گفتمان ستاد احیا نمونه‌ای از تلاش برای ایجاد هژمونی معنایی در بحران محیط‌زیستی است که با تکیه بر داده‌ها، مشارکت نهادی و پیوند میان کنشگران ملی و محلی، کوشید تا تصویری مسنجم و علمی از امکان احیا را فراهم سازد. اما به‌دلیل مقاومت‌ها و شکاف‌های نهادی و اجتماعی، انسداد معنا و نداشتن مشروعیت کامل، گفتمان را در وضعیت نیمه‌هژمونیک نگه داشته است. نتیجه‌ای که ضمن یافتن پاسخی برای پرسش اصلی پژوهش، تأثیر مبانی مفهومی از جمله تحلیل گفتمان انتقادی و منطق دال‌های مرکزی، بر تحلیل بحران را شفاف می‌سازد.

دلالت‌های نظری و سیاستی

از منظر نظری، مورد دریاچه ارومیه نشان می‌دهد سیاست‌گذاری محیط‌زیستی زمانی شانس تثبیت هژمونیک می‌یابد که سه سطح «متن»، «کردار گفتمانی» و «کردار اجتماعی» همساز شوند: زبان علمی معتبر، میان‌کنشگری نهادی و ائتلاف‌های اجتماعی پایدار، بدون برساختن یک «پیوند عاطفی» فراگیر و تبدیل دال «احیا» به تجربه‌ای زیسته در معیشت، معنا در سطح شعار باقی می‌ماند.

از منظر سیاستی، تجربه ستاد احیا یادآور می‌شود که بسته‌های فنی-تحویلی حجمی آب، اصلاح الگوی کشت، توقف سدسازی، کنترل توسعه باغات، پایش مستمر و همکاری بین‌المللی-وقتی به نتیجه می‌رسند که هم‌زمان با «تضمین‌های معیشتی قابل‌اتکا» (وام خرد هدفمند، بیمه ریسک تغییر کشت، بازسازی برای محصولات کم‌آبر) و «کانال‌های مشارکت نهادمند» (تشکل‌های آبربر، شوراهای محلی آب و سازوکارهای شفاف تخصیص حبابه) همراه شوند.

از حیث حکمرانی، پایداری احیا مستلزم «تقسیم‌کار نهادی شفاف» و «حساب‌کشی عمومی» است: تعیین شاخص‌های قابل‌اندازه‌گیری پیشرفت، انتشار دوره‌ای داده‌ها و پیوند دادن بودجه دستگاه‌ها به تحقق اهداف مشترک حوضه آبریز. در غیر این صورت، هر نهاد دال مرکزی خود را «مرکزی‌تر» از احیا می‌نشانند و زنجیره هم‌ارزی از هم می‌گسلد.

در سطح اجتماعی، جایگزینی استعاره «نجات بیمار» با استعاره‌های «بازسازی قرارداد آب» و «هم‌زیستی پایدار» می‌تواند زبان الزام‌آور را با زبان حقوق و منافع درآمیزد و از اقتضائات اخلاقی صرف، به سازوکارهای پایدار منافع مشترک برسد.

در پایان، می‌توان گفت گفتمان احیای دریاچه ارومیه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با همه محدودیت‌ها یک «آغاز» مهم بود: آغاز گذار از توسعه‌گرایی سازه‌محور به حکمرانی اکولوژیک مشارکتی. این گذار هنوز ناتمام است، اما میدان معنا را گشوده و مسیر بازتعریف سیاست‌های آب را هموار کرده است. تداوم این مسیر محتاج ائتلافی پایدار میان دولت، نهادهای تخصصی، جامعه مدنی و ذی‌نفعان محلی است؛ ائتلافی که دال «احیا» را نه فقط در سطح شعار که در سطح زندگی روزمره تثبیت کند.

مأخذ مقاله: این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تحلیل گفتمان‌های محیط زیستی بحران آب در

ایران»، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ابتکار، معصومه (۱۴۰۲، شهریور). مصاحبه درباره بحران دریاچه ارومیه. کانال تلگرامی مخزن پرسش از میهمانان گروه مطالبه‌گران احیای دریاچه ارومیه و... و پاسخ آن‌ها (تحت نظارت دکتر اعلمی نماینده پیشین مجلس).
- زائری، قاسم و محمدی، انور (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان فرهنگ محیط زیستی ایران. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۲(۱)، ۱۲۷-۱۰۶. <https://doi.org/10.34785/J016.2020.371>
- سازمان حفاظت محیط‌زیست (۱۴۰۱). پاسخ رسمی ستاد احیا به طرح تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از عملکرد آن. خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۱۴۰۱۰۴۳۳۱۵۸۰۴.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۳، شهریور). تدوین چشم‌انداز احیای دریاچه ارومیه. *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۳، شهریور). طرح احیای دریاچه ارومیه (تدوین چشم‌انداز احیای دریاچه ارومیه). دبیرخانه کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه، دفتر برنامه ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۶، اسفند). اشتغال و معیشت در حوضه آبریز دریاچه ارومیه با رویکرد توسعه زنجیره ارزش. *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۶، اسفند). بررسی اعتبارات مصوب و پرداخت‌شده به پروژه‌های احیای دریاچه ارومیه. *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۶، اسفند). بررسی دلایل عدم تحقق ورود آب سالانه به دریاچه ارومیه. *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۶، اسفند). گفتگو با دکتر مسعود تجربی: در موضوع دریاچه ارومیه اجماع فنی داریم اما هنوز اراده سیاسی قاطع نداریم. *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۷، شهریور). آیا دریاچه عمیق‌تر شده؟ (بررسی تغییرات در ارتفاع کف بستر دریاچه ارومیه در سه سال ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶). *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۷، شهریور). به دنبال توانمندسازی روستائیان (نگاهی به پروژه‌های فرهنگی- اجتماعی استان آذربایجان غربی). *سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۷، شهریور). رنسانس کشاورزی (با تغییر الگوی کشت در حوضه آبریز دریاچه ارومیه). *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۶، دی و بهمن). خشک‌سالی از آنچه در تصویر می‌بینید به شما نزدیک‌تر است. *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- ستاد احیای دریاچه ارومیه (۱۳۹۷، شهریور). از فائو تا جایکا (معرفی فعالیت‌های بخش بین‌الملل ستاد احیای دریاچه ارومیه). *خبرنامه سایت ستاد احیای دریاچه ارومیه*.
- صالحی، صادق؛ فیروزجائیان، علی اصغر و غلامرضا زاده، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان محیط‌زیستی برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۵(۲۱)، ۷۱-۱۱۰. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2014.1422>
- طالبی صومعه‌سرای، مهشید؛ ذکایی، محمد سعید و فاضلی، محمد (۱۳۹۹). مروری تاریخی بر ابعاد اجتماعی تصویب قوانین آب در ایران. *تحقیقات منابع آب/ ایران*، ۱۶(۱)، ۱۷۴-۱۹۶. <https://doi.org/10.22035/isih.2022.4556.4516>
- طالبی صومعه‌سرای، مهشید؛ زارعیان، محمدجواد؛ فرخ‌نیا، اشکان و روزبهرانی، رضا (۱۴۰۰). سیر تحولات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آب در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران. *فصلنامه میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۴(۱)، ۱۷۸-۱۵۱.

طالبی صومعه‌سرای، مهشید؛ ملکی، امیر و عسکریان چایجان، میثم (۱۴۰۳). ارزیابی و آسیب‌شناسی گفتمان‌های مسلط بر حکمرانی آب کشور در پنج دهه اخیر (از منظر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری). *جامعه و محیط زیست*، ۱(۲)، ۴۸-۱۹. <https://doi.org/10.22080/jsn.2024.5018>

عصر ایران (۱۴۰۱، ۲۴ مرداد). گزارش یک میزگرد مهم: عیسی کلانتری «بدون احیای دریاچه ارومیه، هیچ حکومتی در ایران دوام نمی‌آورد»/ محمد درویش: «یک جایی باید تیر خلاص را بزنیم و حقایق را بگوئیم». *کد خبر*: ۸۵۳۵۹۳.

فرکلاف، نورمن (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان انتقادی (روح‌الله قاسمی، مترجم). تهران: اندیشه احسان.

فیروزآبادی، سید احمد و خمسه، زهرا (۱۴۰۱). مطالعه پیامدهای تغییرات اقلیمی در نقاط روستایی شرق استان اصفهان (دهستان‌های برآن شمالی و جنوبی). *توسعه محلی (روستایی - شهری)*، ۱۴(۲)، ۴۲۶-۴۱۱. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.350132.668768>

کلانتری، عیسی (۱۴۰۲، شهریور). مصاحبه درباره بحران دریاچه ارومیه. کانال تلگرامی مخزن پرسش از میهمانان گروه مطالبه‌گران احیای دریاچه ارومیه و... و پاسخ آن‌ها (تحت نظارت دکتر اعلمی نماینده پیشین مجلس).

لاکلاو، ارنستو (۱۴۰۰). *پوپولیسم «درباره عقل پوپولیستی»* (مراد فرهادپور و جواد گنجی، مترجمان). تهران: مرکز.

لاکلاو، ارنستو و موفه، شانتال (۱۴۰۰). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی «به‌سوی سیاست دموکراتیک رادیکال»* (محمد رضایی، مترجم). تهران: ثالث.

محمدرپور، احمد (۱۳۹۸). *ضد روش (زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)*. قم: لوگوس.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰، شهریور). *بررسی عملکرد و ساختار برنامه احیای دریاچه ارومیه*. معاونت مطالعات زیر بنایی. *کد موضوعی*: ۲۵۰. شماره مسلسل: ۱۷۷۴۱

ملکی، امیر؛ صالحی، صادق؛ ربیعی، علی و یازرلو، رضا (۱۳۹۵). به‌کارگیری مدل فرکلاف در گونه‌شناسی گفتمان‌های محیط زیستی ایران گفتمان‌های عدالت، حفاظت، مخاطره و نوسازی. *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، ۵(۲)، ۷۶-۵۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223057.1395.5.2.5.2>

ملکی، امیر؛ صالحی، صادق؛ کریمی، لیلا و شبیری، سید محمد (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان قانون توزیع عادلانه آب در ایران. *نشریه آب و توسعه پایدار*، ۹(۱)، ۷۴-۶۱. <https://doi.org/10.22067/jwsd.v9i1.2110.1088>

منصوری مقدم، منصور؛ نصرتی، روح‌الله و سپیدنامه، بهروز (۱۴۰۱). ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ای با رویکرد مردم‌نگاری انتقادی (مورد مطالعه: پروژه‌های سد سازی در استان ایلام. *توسعه محلی (روستایی - شهری)*، ۱۴(۲)، ۳۵۱-۳۳۳. <https://doi.org/10.22059/jrd.2022.346564.668746>

یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۴۰۰). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان* (هادی جلیلی، مترجم). تهران: نی.

References

- Ahlborg, H. Ruiz- Mercado, I. Molander, S. & Masera, O. (2019). Bringing technology into social-ecological systems research- motivations for a socio-technical-ecological systems approach. *Sustainability*. Volume 11.
- Asr Iran. (2022, August 15). Report of an important roundtable: Eisa Kalantari: "Without the restoration of Lake Urmia, no government in Iran will survive" / Mohammad Darvish: "At some point, we must deliver the final blow and speak the truth." News Code: 853593. (*In Persian*)
- Department of Environment. (2022). Official response of the Restoration Headquarters to the inquiry plan of the Islamic Consultative Assembly regarding its performance. *ISNA News Agency*. News Code: 1401042315804. (*In Persian*)
- Ebtakar, M. (2023, September). Interview about the Lake Urmia crisis. Telegram channel "Reservoir of Questions from the Guests of the Lake Urmia Restoration Advocates Group and... and their Responses" (under the supervision of Dr. A'lamī, former member of Parliament). t.me/c/1955185691/1 (*In Persian*)
- Fairclough, N. (2020). *Critical discourse analysis* (R. Ghasemi, Trans.). Tehran: Andisheh Ehsan. (*In Persian*)

- Fallon, A. Jones, R.W. Keskinen, M. (2022). Bringing resilience-thinking into water governance: two illustrative case studies from South Africa and Cambodia. *Global Environment Change*, 75, 102542. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2022.1.02542>.
- Firouzabadi, S. A., & Khamseh, Z. (2022). Study of the consequences of climate change in rural areas of eastern Isfahan Province (Northern and Southern Bara'an Rural Districts). *Local Development (Rural-Urban)*, 14(2), 411–426. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.350132.668768> (In Persian)
- Jørgensen, M., & Phillips, L. (2021). *Theory and method in discourse analysis* (H. Jalili, Trans.). Tehran: Ney. (In Persian)
- Kalantari, E. (2023, September). Interview about the Lake Urmia crisis. Telegram channel “Reservoir of Questions from the Guests of the Lake Urmia Restoration Advocates Group and... and their Responses” (under the supervision of Dr. A'lami, former member of Parliament). t.me/c/1955185691/1 (In Persian)
- Laclau, E. (2021). *Populism: On the populist reason* (M. Farhadpour & J. Ganji, Trans.). Tehran: Markaz. (In Persian)
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2021). *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics* (M. Rezaei, Trans.). Tehran: Sales. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2014, September). Formulation of the vision for the restoration of Lake Urmia. *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2014, September). Lake Urmia Restoration Plan (Formulation of the vision for the restoration of Lake Urmia). *Secretariat of the National Task Force for the Rescue of Lake Urmia, Planning and Integration Office of the Lake Urmia Restoration Headquarters*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, January–February). Drought is closer to you than what you see in the image. *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, March). Employment and livelihoods in the Lake Urmia basin with an approach to value chain development. *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, March). Interview with Dr. Masoud Tajrishi: We have technical consensus on the issue of Lake Urmia, but we still lack firm political will. *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, March). Review of approved and disbursed funds for Lake Urmia restoration projects. *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, March). Review of the reasons for the failure to achieve the annual water inflow to Lake Urmia. *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, September). Agricultural Renaissance (with changes in the cropping pattern in the Lake Urmia basin). *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, September). From FAO to JICA (Introduction of international activities of the Lake Urmia Restoration Headquarters). *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, September). Has the lake become deeper? (A study of changes in the bottom elevation of Lake Urmia in the years 2013, 2015, and 2017). *Newsletter of the Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Lake Urmia Restoration Headquarters. (2018, September). Pursuing the empowerment of villagers (A look at cultural-social projects in West Azerbaijan Province). *Lake Urmia Restoration Headquarters website*. (In Persian)
- Maleki, A., Salehi, S., Karimi, L., & Shabiri, S. M. (2021). Discourse analysis of the Law on Equitable Water Distribution in Iran. *Journal of Water and Sustainable Development*, 9(1), 61–74. <https://doi.org/10.22067/jwsd.v9i1.2110.1088> (In Persian)
- Maleki, A., Salehi, S., Rabiei, A., & Yazerlou, R. (2016). Application of Fairclough's model in the typology of environmental discourses in Iran: Discourses of justice, conservation, risk, and modernization. *Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 5(2), 59–76. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223057.1395.5.2.5.2> (In Persian)

- Mansouri Moghaddam, M., Nosrati, R., & Sepidnameh, B. (2022). Evaluation of development programs with a critical ethnography approach (Case study: Dam construction projects in Ilam Province). *Local Development (Rural-Urban)*, 14(2), 333–351. <https://doi.org/10.22059/jrd.2022.346564.668746> (In Persian)
- Martinez-Alier, J. (2002). *The environmentalism of the poor: A study of Ecological Conflicts and Valuations*. USA: Edward Elgard Publishing, Inc.
- Mohammadpour, A. (2019). *Anti-method: Philosophical foundations and practical procedures in qualitative methodology*. Qom: Logos. (In Persian)
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2021, September). Review of the performance and structure of the Lake Urmia Restoration Program. *Deputy of Infrastructure Studies*. Subject Code: 250. Serial Number: 17741. (In Persian)
- Salehi, S., Firouzjaian, A. A., & Gholamrezazadeh, F. (2014). Environmental discourse analysis of the economic-social development plans of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development*, 5(21), 71–110. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2014.1422> (In Persian)
- Talebi Soumehsaraei, M., Maleki, A., & Askarian Chayjan, M. (2024). Evaluation and pathology of dominant discourses on water governance in the country over the past five decades (from the perspective of policymaking and legislation). *Journal of Society and Environment*, 1(2), 19–48. <https://doi.org/10.22080/jsn.2024.5018> (In Persian)
- Talebi Soumehsaraei, M., Zakaei, M. S., & Fazeli, M. (2020). A historical review of the social dimensions of water legislation in Iran. *Iranian Journal of Water Resources Research*, 16(1), 174–196. [20.1001.1.17352347.1399.16.1.13.7](https://doi.org/10.1001.1.17352347.1399.16.1.13.7) (In Persian)
- Talebi Soumehsaraei, M., Zareian, M. J., Farrokhnia, A., & Rouzbehani, R. (2021). The evolution of water planning and policymaking before and after the Islamic Revolution of Iran. *Interdisciplinary Quarterly in Humanities*, 14(1), 151–178. <https://doi.org/10.22035/isih.2022.4556.4516> (In Persian)
- Wesselink, A., Kooy, M., Warner, J. (2016). Socio hydrology and hydro social analysis: toward dialogues across disciplines: Socio-hydrology and hydro-social analysis. *WIREs Water* 2016. DOI: [10.1002/wat2.1196](https://doi.org/10.1002/wat2.1196).
- Zaeri, G., & Mohammadi, A. (2019). Discourse analysis of Iran's environmental culture. *Sociology of Culture and Art*, 2(1), 106–127. <https://doi.org/10.34785/J016.2020.371> (In Persian)